

## واکاوی تشدید کیفر در پرتو مفهوم سردستگی و سازمان‌یافتگی جرایم

کیومرث کلاتری<sup>۱</sup>

سیدمسعود حیدری<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۵

فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا / سال چهارم / شماره چهاردهم - زمستان ۱۳۹۸ \* ۱۲۵-۱۵۲

### چکیده

جرم سازمان‌یافته یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی فراملی است که جوامع بشری را در عصر کنونی تهدید می‌کند. این نوع جنایت‌ها توسط گروه‌های جنایی صورت می‌پذیرد که دارای ۳ عضو یا بیشتر هستند و معمولاً دارای سلسله‌مراتب، تقسیم کار و فعالیت‌های مجرمانه مستمر می‌باشند و به منظور نیل به هدف غایی خود که همان تحصیل نفع مالی و مادی است، به هر وسیله‌ای تمسک می‌جویند. بر این اساس، می‌توان گفت که تنها وجه تمایز این نوع فعالیت‌ها از فعالیت‌های تروریستی، هدف غایی آنها یعنی تحصیل منافع مادی است. توجه به عبارت‌های قانون‌گذار در ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مؤید این نکته است که برای تحقق سردستگی باید حتماً جرمی واقع شود اما لزوم ارتکاب این جرم به طور حتم توسط سردسته ضروری نیست؛ پس شروع به سردستگی قابل تصور نمی‌باشد و به همین دلیل، می‌توان ادعا نمود که سردستگی رفتار مجرمانه از عمل دیگری عاریه گرفته می‌شود و وجود گروهی متشکل از حداقل ۳ نفر برای شکل‌گیری گروه مجرمانه، از لحظه تشکیل گروه مجرمانه تا زمان ارتکاب جرم ضروری است. چنانچه سردسته به غیر از اعمال مادی تشکیل‌دهنده سردستگی، در راستای اهداف گروه مرتکب رفتار مجرمانه‌ای شود، در چنین حالتی، مجازات سردسته بر اساس قاعده تعدد جرم تعیین خواهد شد.

### واژگان کلیدی:

جرم سازمان‌یافته، سردسته، شروع به سردستگی، اعضای گروه

kalantar@nit.ac.ir

Masoud.heydari71@gmail.com

۱- استادیار دانشکده حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (نویسنده مسئول)

## مقدمه

اصطلاح "جرم سازمان یافته" مرکب از ۲ واژه "جرم" و "سازمان یافته" است که واژه "سازمان یافته" به صورت اسم مفعول به کار رفته است و در مقابل "بسیط و ساده" جای دارد که به عنوان صفت جرم به شمار می رود و درصدد تبیین و توصیف جرم است (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱). این اصطلاح که به تازگی در حقوق کیفری داخلی وارد شده است، برای نخستین بار، از طریق موافقتنامه همکاری های امنیتی و انتظامی مبارزه با مواد مخدر بین ایران و یونان مصوب ۱۳۷۹ وارد ادبیات حقوقی ایران گردید (ذاقلی، ۱۳۹۴: ۶۱) و بعد از آن، به طور خاص در ارتباط با قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ و نیز قانون جرایم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸ مطرح گردید و این در حالی بود که در قانون مجازات اسلامی تا آن زمان اشاره ای به جرایم سازمان یافته نشده بود. اما در دهه بعد، برای نخستین بار، این اصطلاح در بند ب ماده ۴۷ ق.م.ا ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۴۸ و ماده ۱۰۲ و بندت ماده ۱۸۰ ق.ا.د.ک ۱۳۹۲ به کار رفت و بدون آنکه تعریفی از این عنوان ارائه دهند، محدودیت هایی را برای مجرمین جرایم فوق در نظر گرفت (جوانمرد، ۱۳۹۶: ۱۸۰). ارتکاب جرایم سازمان یافته نه تنها موجب فساد اقتصادی، اجتماعی و اداری می شود بلکه مردم سالاری، امنیت ملی و نظم بین المللی را نیز به خطر می اندازد (کامکار، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

سردستگی گاهی اوقات، از منظر ماهیت، با "شرکت" و برخی مواقع نیز با "معاونت در جرم" همپوشانی پیدا می کند اما به علت آنکه در بیشتر مواقع، نقش موثرتری در ارتکاب جرم دارد، قانونگذار به درستی مجازات معاون را برای سردسته کافی ندانسته و با تشدید مجازات سردسته، به برخورد با این پدیده مجرمانه پرداخته است (محبی و ریاضت، ۱۳۹۷: ۶۵۲). اولین قانونی که سردستگی گروه مجرمانه را از علل مشدده مجازات قلمداد کرد، قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲<sup>۱</sup> بود. بعد از انقلاب و در سال ۱۳۶۱ این عامل از عوامل اختیاری تشدید مجازات تلقی شد و در سال ۱۳۷۰ بار دیگر جزو علل اجباری تشدید مجازات قید گردید اما در قانون جدید ۱۳۹۲، ضمن اجباری بودن تشدید مجازات، حدود تشدید و تعاریف گروه مجرمانه و سردستگی نیز ذکر شده است که از قوانین قبل جامع تر به نظر می رسد؛ بر این اساس، ماده ۱۳۰ ق.م.ا ۱۳۹۲ در باب سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته مقرر می دارد: «هرکس سردستگی یک گروه

۱- ماده ۳۰ ق.م.ع: «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی ۲ یا چند نفر را در ارتکاب جرم به عهده داشته باشند - اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت باشد - حداکثر مجازات آن جرم خواهد بود؛ مگر اینکه در قانون، مجازات خاصی تعیین شده باشد».

مجرمانه را برعهده گیرد، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد؛ مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود. در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردهسته گروه مجرمانه صدق کند، حسب مورد، به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد. تبصره ۱- گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد. تبصره ۲- سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.<sup>۱</sup> البته اشکال اساسی در این قسمت، عدم تعریف جرایم سازمان یافته است و تشدید مجازات مداخله‌کنندگان در سازمان جرم، بدون آنکه بتوان به آنان عنوان شریک جرم را اطلاق کرد، از خلأهای قانونی است (شیخ الاسلامی، ۱۳۹۶: ۱۵۹). از سوی دیگر، مباحث سردستگی برای تعیین حدود مسئولیت کیفری در جرایم پیچیده و به ویژه، جنایات بین المللی از جمله جنایات جنگی، جنایات بر ضد بشریت - که اغلب نیازمند طراحی توسط یک دولت یا گروه شبه نظامی هستند - مورد توجه دیوان کیفری بین المللی قرار گرفته است که در این زمینه، دیوان اشعار می‌دارد: «مرتکب اصلی یک جرم، محدود به کسانی که به طور فیزیکی، عناصر مادی جرم را به اجرا در می‌آورند، نیستند بلکه شامل آنانی نیز می‌شوند که هر چند از صحنه ارتکاب جرم فاصله داشته باشند، بر ارتکاب آن تسلط دارند یا مغز متفکر جرم هستند؛ چه اینان هستند که در اصل ارتکاب و چگونگی ارتکاب جرم تصمیم می‌گیرند» (Icc Lubanga Decision, 2007, Para326). رویکرد قانونگذار به جرایم سازمان یافته و سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته، موجب طرح سولاتی به شرح زیر گردید: آیا عملیات تروریستی از مصادیق جرایم سازمان یافته می‌باشد؟ آیا وجود حداقل ۳ نفر برای شکل‌گیری گروه مجرمانه، در زمان تشکیل گروه شرط می‌باشد و یا در زمان ارتکاب جرم؟ آیا شروع به سردستگی قابل تصور می‌باشد؟ برای پاسخ به این سولات و ابهامات مربوطه، با لحاظ موازین حقوقی، مباحثی با عنوان "مفهوم جرم سازمان یافته"، "رکن قانونی سردستگی"، "رکن مادی سردستگی"، "رکن روانی سردستگی" و "مجازات سردستگی" به شرح زیر خواهد آمد.

۱- به لحاظ تطبیقی در حقوق آمریکا، سردستگی به عنوان یک کیفیت مشده در قانون جامع کنترل جرم ۱۹۸۴ و دستورالعمل مجازات فدرال ۱۹۸۷ که توسط کمیسیون مجازات ایالات متحده و پس از بررسی گسترده آرای محاکم تهیه شد، پیش بینی شده است (Reilly, ۱۹۹۷: ۵۳). گرچه سردستگی در آمریکا موضوع مواد قانونی است ولی مفهوم سردسته روشن نشده است و در رویه قضایی این کشور، آرای متعددی در راستای ارائه یک تعریف حقوقی رسمی از سردسته صادر شده است (Scordato, ۲۰۱۵: ۱۰۶۱).

## مفهوم جرم سازمان یافته

با وجود اینکه غالب عناوین مجرمانه حقوق کیفری از نظر ماهیت و علت‌شناسی، در علم جرم‌شناسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، جرم سازمان‌یافته با وضعیتی متفاوت، حاصل مطالعات جرم‌شناسی است که داخل در مفاهیم حقوق جزا شده است (Ottenhof, 1997: 45) اولین نویسنده‌ای که به این مفهوم توجه کرد، ادولین ساترلند بود که در کتاب اصول جرم‌شناسی، از جرم سازمان‌یافته نام برد (Sutherland And Donald, 1978: 241)، از آن پس، اشخاص دیگری نظیر آلبرت کوهن به این عنوان توجه نمودند و حتی ادعا کردند که سازمان‌یافتگی می‌تواند ویژگی غالب جرایم باشد (Cohen, 1977: 8). دشواری ارائه تعریف واحد از جرم سازمان‌یافته تا حدودی نشأت گرفته از چند بعدی بودن این مقوله است؛ به عنوان مثال، این جرم از منظر جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد مورد مطالعه قرار گرفته است و هر یک تعاریفی از این مفهوم ارائه کرده‌اند (Beg, 2005: 82) اما در حقوق کیفری، جرایم سازمان‌یافته تعاریف دیگری دارند و با ویژگی‌های خاصی شناخته می‌شوند؛ به طور مثال، در تعریف آن آمده است: «جرم سازمان‌یافته فعالیت مجرمانه مستمری است که با هماهنگی صورت می‌گیرد»<sup>۱</sup> (Donald, 1969: 304) این تعریف که هم دایره جرم سازمان‌یافته را بسیار گسترده کرده است و هم از حیث تعداد مرتکبان و نوع فعل ارتكابی و خصوصیات اطلاق دارد، نمی‌تواند مبنای مباحث مربوط قرار گیرد. در تعریف دیگر آمده است: «جرم سازمان‌یافته ارتکاب برنامه‌ریزی شده جنایاتی قابل توجه برای تحصیل منفعت و قدرت است؛ در صورتی که بیش از ۲ شریک در مدت زمان طولانی نقشی از طریق تجارت یا استفاده از خشونت یا از طریق نفوذ در رسانه‌ها ایفا نموده و با همدیگر همکاری کنند» (Klaus, 1998: 38). ارتکاب جرم برای تحصیل قدرت، از شمول جرایم سازمان‌یافته خارج است و اصولاً در چارچوب تروریسم بحث می‌شود اما در تعریف فوق این دو از هم متمایز نگردیده‌اند. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالمو) مصوب ۲۰۰۰م یکی از اساسی‌ترین اسناد بین‌المللی، جرم سازمان‌یافته را در قالب گروه مجرمانه سازمان‌یافته در بند ۱ ماده ۲ چنین تعریف

۱- در عین حال، تعاریف اصطلاحی در این زمینه از حیث تبیین نوع جرم، قلمروی آن و ویژگی‌های مقوم آن با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت‌ها موجب شده است که بسیاری از نویسندگان به عدم وجود تعریفی جامع و مورد اتفاق اعتراف کنند (Thorne, 1996: 331).

۲- با وجود اینکه در تعریف ذکر شده، جرم سازمان‌یافته بر فعالیت‌های مجرمانه خاص اطلاق می‌گردد، در تعریف‌های دیگری، جرم سازمان‌یافته بر گروه‌ها و سازمان مجرمانه مرتکب این‌گونه جرایم اطلاق شده است (Siegel, 1997: 376). (Soukhanor And Others, 1992: 119, Torr, 1999: 331).

نموده است: «گروه مجرمانه سازمان یافته یعنی گروه سازمان یافته متشکل از ۳ یا چند نفر که برای دوره زمان مشخص وجود داشته و به طور هماهنگ با هدف ارتکاب ک یا چند جرم یا تخلف شدد مندرج در آن کنوانسیون، به منظور تحصیل مستقیم یا غیر مستقیم منافع مال یا سایر منافع ماد، فعالیت کند». به نظر می رسد که این تعریف، جامع و مانع باشد. جرایم سازمان یافته مقید به وسیله نیستند و برای تحقق آنها از همه ابزارهای لازم برای نیل به هدف سازمان استفاده می شود (Bossard, 1988: 103). یکی از بارزترین خصایص جرم سازمان یافته، تحصیل منفعت مالی از طریق ارتکاب جرم است که این خصیصه از اصلی ترین وجه تمایزهای جرم سازمان یافته از جرایم تروریستی<sup>۲</sup> (فرجی ها، ۱۳۸۲: ۱۲۰) و از جمله اهداف جرم سازمان یافته که بسیاری از نویسندگان بدان تصریح کرده اند، به شمار می رود (Maltz, 1976: 76) در واقع، گرچه جرم های ارتكابی توسط سازمان های تروریستی نیز سازمان یافته است اما از آنجا که این سازمان ها به دنبال سرنگونی حکومت یا کسب استقلال یا امتیاز سیاسی هستند و نه کسب سود و منافع مادی، بر این اساس، اصولاً جرایم ارتكابی توسط این گروه ها مشمول جرم سازمان یافته نمی گردد (Ministerial Meeting On The Structure And Program, 1991). البته این ۲ جرم تشابهاتی نیز دارند و آن این است که هر ۲ پدیده از پدیده ای داخلی به فراملی تبدیل شده اند (Shelley, ۱۹۹۹: ۳۰۳ و حاجیانی، ۱۳۸۴: ۴۹۵). با توجه به اینکه جرم سازمان یافته مستلزم برنامه ریزی قبلی و اغلب از نوع جرایم شدید است، آسیب های جبران ناپذیری بر ساختار اجتماعی و اقتصادی وارد می کند و این امر ایجاب می کند که این جرم همانند تروریسم در شمار جرایم مرتبط با حوزه حقوق عمومی باشد و تابع نظام کیفری خاص قرار گیرد (Alix, 2010: 66). یکی از راهکارهای موثر در جهت پیشگیری و کاهش انگیزه افراد برای مداخله در ارتکاب جرایم سازمان یافته، جذب به دایمی و کاهش منافع احتمالی ناشی از وقوع این جرایم توصیه شده است (Cusson, 2002: 65). لازم به ذکر است که با مراجعه به روایات و متون فقهی مشاهده می شود که سازمان یافتگی در ارتکاب جرایم به عنوان بحث مجزایی محل بحث و نظر

۱- در بسیاری از موارد ممکن است برخی افراد جهت ارتکاب جرم خاصی دور هم جمع شده و با هماهنگی و همفکری اقدامی مجرمانه را به صورت جمعی برای یک بار انجام دهند؛ چنین جرایمی گرچه با همفکری و سازمان یافتگی صورت می گیرد اما جرم سازمان یافته به معنای مورد نظر نیست. آنچه لازم است این است که گروه مجرمانه برای یک دوره طولانی یا غیر مقید به زمانی خاص ولی مستمر تشکیل شده باشد (Bassiouni And Vetere, 1998: 75). از این رو، برخی از جرم شناسان، جرایم گانگستری را که برای مدتی محدود و در محدوده های خاص ارتکاب می یابد، جرم سازمان یافته تلقی نمی کنند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

۲- تروریسم به معنی ایجاد ترس و وحشت شدید است (Webster, 1986: 2361, Oxford, 1991: 893).

نیست اما باید توجه کرد که عدم بحث جداگانه از سازمان یافتگی و جرایم سازمان یافته در فقه<sup>۱</sup> و روایات، با اعمال مجازات خاص و گاهی سنگین تر از جرایم فردی برای این جرم‌ها منافاتی ندارد که مثال آن در جرم بغی مشهود است (غلامی، ۱۳۹۳: ۱۴۹) بنابراین، مطابق دیدگاه فقهی، سازمان یافتگی موجب تشدید مجازات می‌شود.

با توجه به تبیین جرم سازمان یافته در مطالب فوق، برخی مجرمان حرفه‌ای با تشکیل گروه مجرمانه و رهبری آن و اغلب - و نه الزاماً - با دور نگه داشتن خود از صحنه عملیات فیزیکی جرم، بیشترین درآمد را از ارتکاب جرم به دست می‌آورند (کی نیا، ۱۳۷۴: ۳۲۳ و United States V Rider: 2010) این اشخاص که با طرح ریزی نقشه ارتکاب جرم و هدایت آن، نقش مغز متفکر گروه را تشکیل می‌دهند، "سردسته گروه مجرمانه سازمان یافته" نامیده می‌شوند.

### رکن قانونی سردستگی

قانونگذار در ق.م. ۱۳۹۲۱ فصل چهارم از بخش سوم کتاب اول قانون، در ماده ۱۳۰، به مبحث سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته اختصاص داده است. بحث قابل ذکر در این قسمت مربوط به جرم‌انگاری مستقل سردستگی گروه مجرمانه در حقوق کیفری ایران است. توضیح اینکه، در مورد معاونت در جرم در حقوق کیفری دو نظریه وجود دارد؛ نظریه نخست، "مجرمیت مستقل" است که در آن، معاونت در جرم، مستقل از جرم اصلی جرم‌انگاری شود. به موجب این نظریه «معاون همانند فاعل جرمی مستقل مسئول فعل خویش و جدای از مباشر و شرکای جرم شناخته شود» (اردبیلی، ۱۳۹۶: ۱۲۲). نظریه دوم، "مجرمیت عاریه ای" است؛ بدین معنی که تا زمانی که جرم اصلی واقع نشود، معاونت در جرم نیز معنا نداشته و قابل تعقیب نیست. معاون در این توجیه یک جرم مستقل انجام نداده است بلکه به تبع مباشر یا شرکا می‌تواند مجرم باشد» (نوربها، ۱۳۸۹: ۲۰۵). در حقوق ایران، نظریه اخیر در مورد معاونت در جرم قابل پذیرش است. از آنجا که سردستگی چنانچه همراه با انجام عملیات مادی جرم اصلی هدف گروه نباشد، از لحاظ ماهیتی، عنوان معاونت در جرم را خواهد داشت، این بحث مطرح می‌شود که در مورد سردستگی کدام نظریه در حقوق کیفری ایران قابل پذیرش است. در بادی امر، آنچه از ظاهر ماده ۱۳۰ ق.م. ۱۳۹۲۱ به ذهن می‌رسد، قانونگذار سردستگی را به طور

۱- در بین فقهای معاصر، موسوی اردبیلی در مبحث "جرم سرقت" ضمن تقسیم‌بندی جرایم به عادی و سازمان یافته، به جرایم سازمان یافته نیز توجه نموده است (موسوی اردبیلی، ۱۴۲۹: ق: ۳-۵۳).

مستقل جرم‌انگاری نموده است؛ زیرا به این نکته که باید جرم اصلی واقع شود تا سردستگی عنوان مجرمانه بیابد، التفاتی نداشته است اما این امر به نظر درست نمی‌رسد؛ زیرا از یک سو، قانونگذار در ماده مزبور، مجازات سردستگی را «حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند» تعیین کرده است؛ از سوی دیگر، با توجه به ماده ۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ تا زمانی که برای رفتاری مجازات تعیین نشده باشد، آن رفتار را نمی‌توان جرم دانست؛ بنابراین، تا زمانی که برای سردستگی مجازاتی تعیین نشده است، جرم مستقل و جداگانه‌ای محسوب نمی‌شود. حال چنانچه شخصی برای ارتکاب جرم، گروهی با مختصات مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ قانون فوق‌الاشعار تشکیل دهد اما در همین مرحله، باقی مانده و اعضای گروه نیز مرتکب جرمی نشوند، از آنجا که صرف تشکیل یک گروه برای ارتکاب جرم، در بسیاری از موارد جرم نبوده و از طرف دیگر، اعضای گروه مرتکب جرمی نشده اند تا مجازات آن قابل اعمال برای سردسته گروه باشد، پس سردستگی این گروه را نیز نمی‌توان جرم مستقل محسوب نمود. با توجه به آنچه در بالا گفته شد، باید قائل به نظریه مجرمیت عاریه‌ای در مورد سردستگی در حقوق ایران شد؛ به این صورت که برای اینکه سردستگی گروه مجرمانه قابل مجازات باشد، باید الزاماً جرمی توسط یکی از اعضای گروه واقع شود. عبارت ماده ۱۳۰ ق.م.ا. که مجازات سردسته را منوط به وقوع جرم توسط اعضای گروه می‌کند نیز مؤید این نظر است. اما این امر قابل انتقاد است. اگر نظریه مجرمیت عاریه‌ای (اکتسابی) در مورد معاونت در جرم تا حدودی قابل توجیه باشد، در مورد سردستگی در جرم نمی‌توان به این توجیه متوسل شد. از یک سو، قانونگذار با هدف سرزنش بیشتر سردسته، وی را مشمول تشدید مجازات می‌داند و از سوی دیگر، تا زمانی که جرمی توسط اعضای گروه واقع نشده است، سردسته را که اعمال مادی سردستگی را مرتکب شده است، قابل تعقیب کیفری نمی‌داند؛ در حالی که صرف اقدامی مانند تشکیل گروه مجرمانه خللی در نظم عمومی جامعه وارد آورده است که گاهی اوقات، به طور مستقل جرم انگاری شده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که پذیرش نظریه مجرمیت عاریه‌ای توسط قانونگذار به نوعی نقض غرض محسوب می‌شود.

۱- ماده ۲ ق.م.ا. «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود».

### ۳- رکن مادی سردستگی

رکن قانونی یک رفتار مجرمانه باید در عالم خارج ظهور و بروز یابد تا به همراه قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی جرمی واقع شود؛ بنابراین، فعلیت یافتن قصد ارتکاب جرم در عالم خارج رکن مادی را تشکیل می‌دهد. این رکن سه جزء دارد که شامل رفتار فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال و نتیجه مجرمانه است که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱- رفتار فیزیکی

تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا رفتار مادی سردستگی را بدین شرح بیان نموده است: «سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است». با توجه به این تبصره، مصادیق حصری سردستگی که همان رفتار مادی آن است، شامل ایجاد یک گروه مجرمانه جهت ارتکاب جرم (تشکیل)، "طراحی" که می‌تواند به معنی برنامه ریزی جهت ایجاد یک گروه مجرمانه و یا طراحی نقشه‌های گروه مجرمانه جهت ارتکاب جرم باشد، "سازماندهی" به معنی تقسیم کار داخلی میان اعضای گروه مجرمانه و در نهایت، اداره گروه مجرمانه است که منظور راهبری و فرماندهی گروه و ارائه تدابیر لازم جهت پیشبرد اهداف و رسیدن به منافع گروه است. با توجه به مصادیق مندرج در تبصره فوق، ترک فعل نمی‌تواند به عنوان رفتار مادی در سردستگی واقع شود؛ زیرا همه مصادیق ذکر شده از اعمال مثبت و به عبارتی، فعل بوده و از طرفی نمی‌توان تصور کرد که تشکیل، طراحی، سازماندهی و یا اداره گروهی به صورت ترک فعل انجام شود. بحث قابل ذکر در این قسمت مربوط به انجام رفتار مادی سردستگی توسط چند شخص است؛ بدین معنی که چنانچه به طور مثال، یک شخص گروه مجرمانه را تشکیل داده و دیگری آن را اداره کند، آیا می‌توان هر دو شخص را سردسته نامید؟ ظاهر عبارت تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ق.م.ا که از حرف ربط "یا" برای جدا کردن انواع رفتارهای مادی سردستگی استفاده کرده است، مؤید این امر است که در صورت ارتکاب رفتار مادی توسط چند شخص، همه آنها را می‌توان سردسته گروه مجرمانه نامید. اطلاق عبارات ماده ۱۳۰ ق.م.ا و تبصره‌های آن، این نظر را تقویت می‌کند اما این امر خلاف تفسیر مضیق نصوص جزایی است؛ به خصوص از این جهت که تشدید مجازات به علت سردستگی، خلاف اصل می‌باشد و در چنین مواردی باید به قدر متقن اکتفا کرد. بنابراین، نمی‌توان نظر فوق را به طور مطلق تأیید کرد و باید قائل به تفکیک میان حالت‌های مختلف شد؛ به این صورت که چنانچه اشخاصی که رفتار مادی سردستگی را انجام می‌دهند، از شخص دیگر دستور گرفته و عملاً تحت نفوذ این شخص قرار داشته باشند



- یعنی اشخاص مذکور در طول یکدیگر قرار داشته و در نهایت، به یک سردسته اصلی ختم می‌شوند. شخص اخیر سردسته محسوب شده و مجازات این شخص باید تشدید شود. در تأیید این نظر می‌توان گفت که از نظر عرف، سردسته به کسی گفته می‌شود که همه اعضای گروه از او دستور می‌گیرند و چنانچه این شخص برخی از کارهای مربوط به پیشبرد اهداف گروه را به شخص دیگری تفویض نماید، مسئولیت کارهای انجام شده توسط شخص اخیر به عهده سردسته اصلی که وظایفی را به عهده دیگری قرار داده است، می‌باشد. البته این امر نافی مسئولیت شخص مجری انجام وظایف نیست؛ اما نه به عنوان سردستگی بلکه به عنوان عضوی از اعضای گروه مجرمانه. حالت دیگر این است که افرادی که رفتار مادی سردستگی را انجام می‌دهند، از شخص سوم دستور بگیرند و انجام رفتارها توسط چند شخص به نوعی تقسیم کار داخلی میان اعضای گروه باشد و به عبارتی، اشخاص فوق در عرض یکدیگر قرار داشته باشند، در این صورت، همه آنها سردسته بوده و مجازات آنها باید تشدید شود.

مسیر تحقق جرم را می‌توان به چهار قسمت تقسیم نمود. ابتدا قصد ارتکاب جرم، سپس تهیه مقدمات ارتکاب جرم، آنگاه شروع به جرم و در نهایت، مرحله اجرای کامل جرم است (Chawla, 2006: 2)، اینکه سردسته در چه مرحله از جرم باید سردستگی گروه مجرمانه را عهده‌دار باشد، محل بحث است. در زمینه نحوه حضور و عدم حضور سردسته در ارتکاب جرم نیز صورت‌های زیر قابل تصور است:

الف. عدم شرکت سردسته گروه مجرمانه در عملیات اجرایی جرم ارتكابی: در این صورت، مجازات سردسته بر اساس ماده ۱۳۰ ق.م.ا تعیین می‌شود.

ب. شرکت سردسته گروه مجرمانه در عملیات اجرایی جرم ارتكابی: در این صورت، دو حالت قابل تصور است:

۱. گروه مجرمانه مرتکب جرم واحد می‌شود؛ در این صورت، قواعد تعدد معنوی جرم (سردستگی / جرم ارتكابی) حاکم است. البته برخی فرض مذکور را مشمول تعدد مادی می‌دانند (الهام و برهانی، الف، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

۲. گروه مجرمانه مرتکب جرایم متعددی می‌شود که شخص سردسته فقط در یکی از آنها مشارکت داشته است؛ در این صورت، نسبت به جرم ارتكابی توسط خود و سایر اعضای گروه، قواعد تعدد معنوی جرم (سردستگی / شرکت در جرم ارتكابی) و نسبت به سایر جرایم فقط عنوان سردستگی صادق است؛ در نتیجه، مشمول قواعد تعدد مادی جرم می‌شود. اما

در خصوص ارتکاب جرایم محاربه و افساد فی الارض توسط اعضای گروه مجرمانه در راستای اهداف همان گروه بدون مداخله سردسته، به شرح مقرر در ماده ۱۳۰ ق.م.ا به حداکثر مجازات معاونت در جرایم مذکور محکوم می‌شود و چنانچه سردسته به عنوان محاربه و افساد فی الارض شخصا عملیات مادی این جرایم را هدایت کند و عناوین محارب و مفسد فی الارض بر او صدق نماید، به مجازات محاربه و افساد فی الارض محکوم می‌گردد.

در این قسمت، توجه به چند نکته ضروری است: نکته ۱. در هر مورد، قانون، مجازات معاون را حداکثر مجازات در نظر گرفته است؛ مانند ماده ۱۳۰ ق.م.ا. با رعایت دو قید زیر، مجازات حداکثری برای معاون موضوع حکم قرار می‌گیرد: الف. در مواردی که قانون اجازه داده است که مجازات معاون ۱ یا ۲ درجه پایین‌تر از مجازات مباشر باشد، دادگاه برای تحقق حداکثر مجازات، می‌بایست مجازات معاون را یک درجه کمتر از مجازات مباشر در نظر بگیرد؛ ب. پس از تعیین درجه مجازات معاون، دادگاه باید حداکثر مجازاتی که در آن درجه پیش‌بینی شده است را برای معاون در نظر بگیرد (عدالتخواه، ۱۳۹۳: ۲۵۶).

نکته دوم آن است که آیا شرط تشدید بر سردسته گروه، زمانی که خود در ارتکاب جرم شرکت ندارد، ارتکاب جرم توسط تمامی اعضای گروه مجرمانه می‌باشد و یا اینکه به صرف ارتکاب یک عضو از گروه، تشدید بر سردسته اعمال می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش باید بین فرضیه‌های مختلف تفکیک به عمل آید:

فرض کنید سردسته گروه نقشه سرقت حدی را بر ۲ نفر از اعضای گروه به این شکل طراحی کرده است که هر ۲ با شرکت در هتک حرز و اخراج، مال مسروقه را از حرز خارج کنند؛ حالا اگر یکی از اعضا شریک در هتک حرز باشد ولی در اخراج مال نقشی نداشته باشد و دیگر عضو، مال را از حرز خارج کند، با توجه به اینکه عنوان سارق حدی، به فرض وجود تمامی شرایط سرقت حدی بر دومی صادق است، به نظر نمی‌رسد که به این دلیل که شرکا در سرقت نتوانسته‌اند مطابق نقشه سردسته عمل کنند، بنابراین بتوان نتیجه گرفت که تشدید را نباید بر سردسته اعمال کرد بلکه در مخالفت با این نظر باید گفت که ارتکاب جرم توسط حداقل یکی از اعضا، اگر در راستای اهداف همان گروه باشد، جواز اعمال تشدید بر سردسته گروه می‌باشد؛ حتی اگر خود، در ارتکاب آن مباشرت نداشته باشد. فرض دوم زمانی است که اعضای گروه مرتکب جرمی شوند که در راستای اهداف همان گروه و مرتبط و نزدیک به آن نباشد؛ به طور مثال، اعضای گروه مبادرت به آتش زدن عمدی اتومبیل کسی که با او اختلاف شخصی دارند، بنمایند

که در این صورت، مسئولیت و مجازاتی متوجه سردسته نیست (توجهی، ۱۳۹۴: ۱۹۰). فرض سوم و آخر، زمانی است که ارتکاب جرم از جمله مواردی باشد که منوط به تحقق دو یا چند اراده باشد و عمل مجرمانه بدون فعل هریک از اعضا، نمود خارجی پیدا نکند؛ مانند جرایم زنا و شرکت در منازعه؛ در آن صورت، عدم ارتکاب یکی از اعضا و یا انصراف ارادی او از ارتکاب جرم، موجب عدم تحقق جرم می‌شود که در نهایت، ممکن است اعضا را بتوان با جمع تمام شرایط، به شروع کنندگان جرایم مذکور متهم کرد و تشدید بر سردسته را بر اساس مجازات شروع به آن اعمال کرد که در ادامه، به تفصیل راجع به آن بحث خواهد شد.

### ۳-۲- شرایط و اوضاع و احوال

یک رفتار باید همراه با وجود شرایط و در اوضاع و احوال خاصی واقع شده باشد تا همراه با سایر عناصر وصف مجرمانه بیابد. مستنبط از ماده ۱۳۰ ق.م.ا و تبصره های آن، تنها شرطی که باید در مورد سردستگی وجود داشته باشد تا عنوان مجرمانه پیدا کند، این است که سردستگی باید بر یک گروه مجرمانه<sup>۱</sup> باشد. برابر تبصره<sup>۱</sup> این ماده: «گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌شود». با توجه به تبصره فوق، گروه مجرمانه دارای سه ویژگی است: ۱- نسبتاً منسجم است؛ ۲- حداقل اعضای آن سه نفر است؛ ۳- هدف آن ارتکاب جرم است.

### ۳-۲-۱- منسجم بودن گروه

در قانون مجازات اسلامی، مفهوم گروه مجرمانه نسبتاً منسجم مشخص نشده است اما می‌توان گفت که انسجام نسبی گروه مجرمانه تعبیر دیگری از سازمان یافته بودن آن است؛ بنابراین، در مرحله اول، تشکیل گروه مجرمانه اتفاقی نبوده و با قصد و نیت قبلی است، دوم، اعضای گروه مجرمانه از قصد کلی گروه برای ارتکاب جرم آگاه هستند، سوم، میان اعضای گروه تقسیم کار داخلی وجود دارد؛ به گونه‌ای که اعضای گروه از وظایف خود و دیگران آگاه بوده و در کار یکدیگر دخالت نمی‌کنند. آن گونه که در بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته

۱- لازم به ذکر است که در صدر عنوان ماده ۱۳۰ ق.م.ا (سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته) از واژه "سازمان یافته" استفاده شده است؛ اما نه در ماده ۱۳۰ و نه در تبصره‌های آن اشاره‌ای به مفهوم این واژه نشده است؛ فقط در تبصره ۲ این ماده، سازماندهی به عنوان یکی از رفتارهای مادی فیزیکی در سردستگی بیان شده است. به نظر می‌رسد که مفهوم سازمان یافتگی در تعریف گروه مجرمانه مذکور در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا نهفته است؛ بدین معنی، گروهی که از انسجام نسبی برخوردار است، ناگزیر میان اعضای آن تقسیم کار وجود دارد و تداخل وظایف به وجود نمی‌آید؛ زیرا چنین گروهی، کل واحد را تشکیل می‌دهد و دارای وحدت فرماندهی است.

فراملی (پالرمو) در تعریف گروه سازمان یافته آمده است: «به گروه اطلاق می شود که به منظور ارتکاب فور جرم به طور تصادف ا غر منظم تشکل نشده باشد و به داشتن نقش ها تعرف شده رسم برا اعضا خود، ادامه عضوت در آن ا به ساختار توسعه یافته ن از نداشته باشد». با توجه به این تعریف، تصادفی یا غیر منظم بودن گروه مانع از اطلاق عنوان سازمان یافته بر آن می شود.

باید توجه داشت که با توجه به تعریف تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا از گروه مجرمانه، انسجام نسبی میان اعضای گروه کافی است. همین اندازه که عنوان سازمان یافته بر گروه صدق کند، می توان آن را گروه مجرمانه نامید؛ بنابراین، لازم نیست که همه فعالیت های اعضای گروه، از پیش طراحی و برنامه ریزی شده باشد. ممکن است در اثنا فعالیت های یک گروه برای ارتکاب جرم، یک امر پیش بینی نشده به وجود آمده و یکی از اعضای گروه مرتکب عملی شود که خدشه ای بر اهداف گروه وارد کند و یا بر خلاف خواست سایر اعضای گروه باشد؛ نمی توان به صرف چنین امری، این جمع افراد را خارج از مفهوم گروه مجرمانه تلقی کرد. اعمال اعضای گروه که خارج از چارچوب اهداف و فعالیت های کلی گروه مجرمانه است تا زمانی که به انسجام نسبی گروه خدشه ای وارد نکرده است، تأثیری بر صدق عنوان گروه مجرمانه نداشته و سردرسته آن را از شمول تشدید مجازات خارج نمی کند.

### ۳-۲-۲- تعداد اعضای گروه مجرمانه

عبارت ۳ نفر یا بیشتر در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا نیز حائز اهمیت است که برای فهم سایر مواردی که قانونگذار در ق.م.ا بحث تشکیل گروه را مطرح کرده است، تبصره مذکور می تواند به مثابه قرینه ای جهت فهم مقصود قانونگذار از جرایم دسته جمعی و استفاده شده از واژه "گروه" به کار گرفته شود. از جمله شروط شکل گیری گروه مجرمانه طبق تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا شرکت ۳ نفر و یا بیشتر در گروه می باشد که این امر منطقی است؛ زیرا از لحاظ دستور زبان فارسی، گروه اسم جمع است؛ بنابراین، باید بر بیش از ۲ نفر اطلاق شود. در عرف نیز به جماعتی که حداقل از ۳ عضو تشکیل شده باشد، گروه گفته می شود. حال پرسش مورد بحث آن است که آیا وجود حداقل ۳ نفر فقط در زمان شکل گیری و تشکیل گروه ضروری می باشد و یا اینکه می بایست حداقل اعضای تشکیل دهنده گروه تا زمان ارتکاب جرم (حداقل شروع به جرم) وجود داشته باشند؟

نخست اینکه، به نظر می رسد از آنجا که گروه به یک جمع اطلاق می شود، حداقل تعداد اعضای ۳ نفری از لحظه تشکیل گروه مجرمانه تا زمان ارتکاب جرم ضروری است؛ بنابراین، اگر

۲ نفر با هم به طور مستمر و با هدف مشخص مرتکب جرم شوند و یکی از دو نفر نقش سردستگی را بر عهده داشته باشد، به آن اطلاق گروه مجرمانه نمی‌شود و از شمول مقررات ماده ۱۳۰ ق.م.ا خارج است اما به عنوان شرکت<sup>۱</sup> در جرم، مقررات ماده ۱۲۵<sup>۲</sup> ق.م.ا بر آنان حاکم است؛ **دوم اینکه**، از عبارت "نسبتاً منسجم" به کار رفته در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا استفاده است که یکی از مصادیق انسجام نسبی، تشکل حداقل اعضای ۳ نفری برای شکل‌گیری گروه می‌باشد که از ابتدا تا انتها می‌بایست این حداقل بودن حفظ شده و در یک سلسله از مسائل توافقاتی داشته باشند و در غیر این صورت، گروه از نسبت انسجام خارج می‌شود؛ سوم اینکه، ابتدای ماده ۱۳۰ ق.م.ا از سردستگی شخص بر یک "گروه" مجرمانه صحبت به میان آورده است که به نظر می‌رسد سردسته باید به غیر از خود، بر حداقل ۲ نفر از اعضا تسلط و رهبری داشته باشد تا بتوان عنوان گروه را بر آنان صدق کرد. از سوی دیگر، سابقه تقنینی در تعریف سردستگی، در ق.م.ع ۱۳۵۲<sup>۳</sup>، ق.ر.ب.م.ا ۱۳۶۱<sup>۴</sup> و ق.م.ا در سال ۱۳۷۰<sup>۵</sup> نشان می‌دهد که سردسته به کسی گفته می‌شود که بر حداقل ۲ نفر یا بیشتر سردستگی داشته باشد؛ چهارم اینکه، اصل تفسیر مضیق نصوص جزایی اقتضا می‌کند که در صورت انصراف یکی از اعضا در زمان ارتکاب جرم و تقلیل تعداد گروه از ۳ به ۲ یا کمتر از آن، تشدید بر سردسته اعمال نشود؛ بر این اساس، چنانچه از ابتدا تشکیل گروه نه برای ارتکاب جرم بلکه برای نیل به یک هدف قانونی و مشروع باشد اما در ادامه، به سمت ارتکاب جرم منحرف شده باشد و تعداد اعضای گروه نیز از ۳ نفر کمتر باشد، در چنین حالتی، مشمول عنوان سردستگی گروه مجرمانه نخواهد بود.

### ۳-۲-۳- هدف گروه مجرمانه

تعریف گروه مجرمانه سازمان‌یافته بر عنصر همکاری و هدف مشترک مجرمانه در میان اعضای گروه تاکید دارد. با این همه، آثار این هماهنگی و هدف مشترک برای مسئولیت کیفری اعضای گروه به هیچ وجه ذکر نشده است؛ به طور مثال، سازمان‌یافته بودن جرم باعث نمی‌شود که

۱- البته لازم به ذکر است که نظام شرکت در حقوق انگلستان و آمریکا با دید وسیع‌تری به این مفهوم نگریسته و صرف حضور در صحنه و یا تهبانی ساده برای تحقق شرکت در جرم کافی دانسته شده است (Weiss, 2001: 1341 و Ohlin, 2015: 519) در حالی که در حقوق کیفری ایران، برای شرکت در جرم، دخالت در رکن مادی یا عملیات اجرایی جرم و مستند بودن جرم به رفتار تمامی شرکا شرط می‌باشد.

۲- ماده ۱۲۵ ق.م.ا: «هرکس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد ... شریک در جرم محسوب می‌شوند ...».

۳- ماده ۳۰ ق.م.ع: «مجازات شخص یا اشخاصی که اداره یا سردستگی ۲ یا چند نفر را در ارتکاب جرم برعهده دارد ...».

۴- ماده ۲۳ ق.ر.م.ا: «رهبری و سردستگی ۲ یا چند نفر در ارتکاب جرم ...».

۵- ماده ۴۵ ق.م.ا: «سردستگی ۲ یا چند نفر در ارتکاب جرم ...».

در ملاک تفکیک مفاهیم شرکت و معاونت در جرم از یکدیگر تغییری حاصل شود یا مسئولیت شریک جرم به کیفیات حاصل از رفتار سایر اعضای گروه هم توسعه یابد (یوسفیان و رسولی، ۱۳۹۷: ۲۵۳) به شکل استثنائی و در چارچوب مفهوم مضیق سردستگی گروه مجرمانه است که در جرایم تعزیری، سردسته به حداکثر مجازات شدیدترین جرم ارتكابی اعضای گروه محکوم می‌شود. منظور از هدف، آن چیزی است که مورد خواست شخص است. غرض گروه مجرمانه باید ارتكاب یکی از رفتارهای مجرمانه باشد اما لازم نیست که این غرض در ابتدای تشکیل گروه وجود داشته باشد؛ زیرا مستفاد از تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا، چنانچه هدف گروه مجرمانه در ابتدای تشکیل مشروع باشد اما پس از ایجاد، برای ارتكاب جرم منحرف شود نیز گروه موصوف مجرمانه خواهد بود اما تا زمانی که هدف گروه به سمت ارتكاب جرم منحرف نشود، چنین گروهی مجرمانه محسوب نشده و سردستگی بر آن، مشمول مجازات و به طریق اولی تشدید مجازات نخواهد بود؛ زیرا چنین گروهی، یکی از ارکان گروه مجرمانه که همانا "هدف" ارتكاب جرم است را ندارد. حال آیا منظور از انحراف گروه از هدف مشروع نخستین پس از تشکیل، انحراف انحصاری است یعنی گروه باید "منحصرا" با انحراف از هدف مشروع نخستین، به سمت ارتكاب جرم سوق پیدا کند و یا اینکه گروه مجرمانه می‌تواند در "کنار" فعالیت مشروع نخستین خود، دست به ارتكاب جرم هم بزنند؟ هدف ارتكاب جرم ممکن است تنها هدف یک گروه مجرمانه باشد که در این صورت، بدون شک، چنین گروهی واجد وصف مجرمانه است. همچنین، ممکن است گروه اهداف دیگری نیز داشته باشد؛ اما هدف اصلی و غالب آن ارتكاب جرم باشد که در این حالت نیز گروه مذکور مجرمانه تلقی می‌شود؛ چنانچه چنین گروهی مجرمانه محسوب نشود، این نتیجه برداشت می‌شود که گروه‌هایی که در پوشش فعالیت‌های مشروع اقدام به فعالیت‌های خلاف قانون نظیر پولشویی می‌کنند، مجرم محسوب نشده و در نتیجه، سردستگی بر آنها مشمول تشدید مجازات نخواهد بود؛ در حالی که تشدید مجازات چنین اشخاصی می‌تواند یکی از اهداف قانونگذار از توجه به بحث سردستگی باشد. حالت دیگر این است که هدف اصلی گروه، اقدام به انجام فعالیت‌های موافق موازین قانونی باشد اما در کنار آن، به فعالیت‌های مجرمانه نیز مبادرت ورزند. اطلاق عنوان مجرمانه بر چنین گروهی محل تردید است؛ به نظر می‌رسد که در این حالت نیز گروه مجرمانه معنا پیدا می‌کند. این مورد را می‌توان با حالتی مقایسه کرد که یک شخص حقوقی، چند امر را در اساسنامه به عنوان موضوع فعالیت خود ذکر می‌کند اما ممکن است که در عمل، به برخی از این فعالیت

ها نپردازد؛ در حالی که نمی‌توان گفت موضوع شخص حقوقی فقط فعالیت‌هایی است که عملاً انجام می‌شود؛ بر این اساس، نمی‌توان به صرف اینکه ارتکاب اعمال مجرمانه هدف غالب و اصلی گروه نیست، آن گروه را از شمول عنوان مجرمانه خارج دانست؛ همچنین، به کار رفتن واژه منحرف به نحوه اطلاق در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ ق.م.ا و بدون اضافه کردن قیدی به آن، استنباط می‌شود. گروه مجرمانه حتی در حالت اجتماع اهداف مشروع و نامشروع مجرمانه قابل تصور بوده و تشدید بر سردسته در این حالت هم اعمال می‌شود که این تبصره را می‌توان با ماده ۲۲۱ ق.م.ا ۱۳۹۲۱ که در خصوص شرط اعمال مجازات انحلال و مصادره اموال بر اشخاص حقوقی می‌باشد، مقایسه کرد که مقنن از واژه "منحصراً" استفاده کرده است؛ در حالی که این قید را در تبصره ۱ ماده ۱۳۰ لحاظ ندانسته است.

### ۳-۳- نتیجه حاصله

برای تحقق سردستگی باید الزاماً جرمی واقع شود؛ اما لازم نیست که جرم انجام شده همان جرم اصلی هدف گروه باشد. به تعبیر ماده ۱۳۰ ق.م.ا همین که جرمی توسط اعضای گروه و نه الزاماً توسط شخص سردسته "در راستای اهداف همان گروه" واقع شود، برای اینکه سردسته آن گروه مشمول تشدید مجازات شود، کافی است؛ این امر از آن جهت است که قانونگذار مجازات سردسته را با توجه به جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه تعیین نموده است؛ بر این اساس، تازمانی که جرمی واقع نشود، نمی‌توان سردستگی را مشمول عنوان مجرمانه دانسته و مجازات آن را تشدید کرد. از سوی دیگر، با ارتکاب حتی یک جرم توسط هر یک از اعضای گروه، سردستگی عنوان مجرمانه می‌یابد؛ بنابراین، می‌توان گفت که در سردستگی، رفتار مجرمانه از عمل دیگری عاریه گرفته می‌شود. مفهوم عبارت "ارتکاب جرم در راستای اهداف گروه" حائز اهمیت است؛ اهداف گروه را می‌توان به دو دسته اهداف مستقیم و اهداف غیرمستقیم تقسیم کرد. اهداف مستقیم عبارت از هدفی است که گروه برای آن تشکیل شده است. به عبارت دیگر، پاسخ به این پرسش که "چرا گروه ایجاد شده است؟" هدف اصلی و مستقیم گروه محسوب می‌شود؛ اما هدف غیرمستقیم آن هدفی است که گروه به شکل مستقیم، برای آن تشکیل نشده است اما برای دستیابی به هدف اصلی گروه، انجام آن ضروری است. با توجه به

۱-ماده ۲۲ ق.م.ا: «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد».

این تفسیر، هر جرمی که در جهت تسهیل هدف گروه انجام شود، جرم در راستای اهداف گروه محسوب می‌شود؛ خواه هدف مستقیم باشد و خواه هدف غیرمستقیم. آنچه که در اینجا باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا ضروری بودن ارتکاب جرم در جهت دستیابی به هدف اصلی گروه شرط است؟ چنانچه راه‌های دیگری نیز جهت نیل به هدف گروه وجود داشته باشد، اما اعضای گروه از ارتکاب جرم جهت دستیابی آن هدف استفاده کنند، آیا در این حالت نیز می‌توان آن جرم را در راستای اهداف گروه دانست؟ قانونگذار در این مورد سکوت کرده است؛ در این خصوص، می‌توان دو نظر ابراز کرد: نظر نخست این است که با توجه به اطلاق الفاظ قانونگذار و عدم تصریح به این امر، چنین جرمی نیز در جهت اهداف گروه محسوب می‌شود. نظر دوم این است که به قرینه بند الف ماده ۱۵۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲ که یکی از شرایط دفاع مشروع «رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد» می‌باشد، می‌توان نظر داد که چنانچه راه دیگری غیر از جرم ارتكابی جهت نیل به هدف اصلی گروه موجود باشد اما در عین حال، اعضای گروه به ارتكاب جرم جهت دستیابی به این هدف مبادرت ورزند، این جرم را نمی‌توان در راستای اهداف گروه دانست و به استناد آن، مجازات سردسته را تشدید کرد. با توجه به اینکه تشدید مجازات به خاطر سردستگی خلاف اصل است، نظر اخیر مرجح است.

#### ۴- رکن روانی

با توجه به ماده ۱۴۴ ق.م.ا. ۱۳۹۲: «در تحقق جرایم عمدی، علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتكاب رفتار مجرمانه احراز گردد...» بر این اساس، وجود قصد مجرمانه در سردستگی ضروری است اما از آنجا که در سردستگی الزاماً یک گروه مجرمانه وجود دارد، این مسئله مطرح می‌شود که آیا میان سردسته و اعضای گروه باید وحدت قصد وجود داشته باشد؟ به نظر می‌رسد پاسخ مثبت باشد؛ زیرا گروه مجرمانه وجود مستقل و جدایی از اعضای تشکیل دهنده ندارد؛ بر این اساس، قصد ارتكاب جرم باید در همه اعضای گروه موجود باشد اما کیفیت وحدت قصد موجود در میان اعضای گروه و سردسته محل بحث است. در این خصوص سه حالت قابل تصور است: حالت نخست، سردسته و اعضای گروه در نوع و تمام کیفیات جرمی که قصد ارتكاب آن را دارند و در شیوه انجام آن توافق دارند. در این حالت، محققاً وحدت موجود است؛ حالت دوم، اعضای گروه فقط از نوع جرمی که قصد گروه بر ارتكاب آن استوار است، اطلاع دارند و با این وجود، عضو گروه مجرمانه شده‌اند؛ در این حالت نیز وحدت قصد میان



اعضای گروه و سردسته موجود است زیرا به عضویت گروه درآمدن با اطلاع از نوع جرم ارتكابی به منزله پذیرش ضمنی کیفیت ارتكاب آن نیز می‌باشد؛ در حالت سوم نیز اعضای گروه فقط با اطلاع مطلق از قصد گروه بر ارتكاب جرم و نه نوع آن به عضویت گروه درآمده‌اند. وجود وحدت قصد در این حالت محل تردید است. اطلاق واژه "جرم" مذکور در تبصره پیش گفته، توجه را به این پاسخ رهنمون می‌کند که معین بودن جرمی که هدف گروه است، در ابتدای تشکیل، شرط نیست و قصد ارتكاب هر جرمی - اگرچه نامعین - برای تشکیل گروه مجرمانه کافی است اما چنانچه این نظر پذیرفته شود، در این صورت، آیا میان اعضای گروه وحدت قصد شکل می‌گیرد؟ ممکن است گفته شود که چنانچه شخصی با این کیفیت به عضویت گروه درآید، همه جرایمی که گروه قصد ارتكاب آن را دارند، را پذیرفته‌است و این امر را می‌توان نوعی اعلام قصد کلی دانست. چنین اعلام قصدی به منزله این است که شخص خود را مانند وسیله در اختیار سردسته قرار داده‌است اما توجه به قسمت اخیر تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا مشعر بر اینکه: «... چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه که مقصود معاون بوده‌است را مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود» خلاف این امر را ثابت می‌نماید؛ زیرا این مقرر که مربوط به بحث معاونت در جرم است، مؤید آن است که برای تحقق معاونت در جرم، وجود قصد ارتكاب جرم معین شرط است. تجاوز مباشر از آنچه قصد معاون بوده‌است، موجب محکومیت معاون به مجازات جرم خفیف‌تر خواهد شد؛ بر این اساس، باید گفت که وحدت قصد بر ارتكاب جرم معین باید میان اعضای گروه و سردسته وجود داشته باشد و این وحدت قصد باید در ابتدای تشکیل گروه موجود باشد؛ زیرا چنانچه در این زمان وحدت قصد موجود نباشد، گروه تشکیل نشده‌است تا اینکه سردسته آن مشمول تشدید مجازات باشد.

## ۵- مجازات سردستگی

در این خصوص، مباحث با عناوین "مجازات سردسته"، "مجازات شروع به سردستگی" و "مجازات سردسته در جرایم محاربه و افساد فی الارض به طور خاص" در زیر شرح می‌شود:

### ۵-۱- مجازات سردسته

در صورت جمع شرایطی پیش گفته، مجازات سردستگی به موقع به اجرا گذارده خواهد شد.<sup>۱</sup>

۱- سردسته گروه مجرمانه معمولاً متهم اصلی بوده و باید مشمول ماده ۳۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ تلقی شود که مقرر می‌دارد: «شرکا و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد...» در نتیجه، دادگاه صالح به رسیدگی به اتهام همه متهمان را باید دادگاهی دانست که صلاحیت رسیدگی به اتهام سردسته را دارد (خالقی، ۱۳۹۷: ۴۱۱).

قانونگذار در مورد مجازات سردسته، یک اصل کلی را در ماده ۱۳۰ ق.م.ا بیان داشته است؛ به این صورت که سردسته یک گروه مجرمانه «به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد». ملاک تعیین شدیدترین جرم، میزان مجازات آن بر اساس درجه‌بندی مجازات‌ها بر اساس ماده ۱۹ ق.م.ا و رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ دیوان عالی کشور در مورد شدیدتر بودن مجازات حبس از جزای نقدی در صورت جمع آنها می‌باشد. باید توجه داشت که ممکن است سردسته نیز جرایمی در راستای اهداف گروه و یا غیر از آن مرتکب شود؛ در این صورت، مجازات سردسته با توجه به قواعد تعدد جرم مذکور در ماده ۱۳۴ ق.م.ا تعیین خواهد شد. ترتیب ذکر شده، مربوط به جرایم مستوجب مجازات تعزیر است؛ چنانچه جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه موجب حد یا قصاص یا دیه باشد «در این صورت، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود» با توجه به سیاق عبارت قانونگذار که مجازات سردستگی را در جرایم مشمول مجازات حد، قصاص و دیه، به صورت استثناء بر قاعده کلی ذکر کرده است و همچنین، با توجه به اینکه ماده ۱۳۰ ق.م.ا در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ این قانون مورد اشاره قرار نگرفته است، مجازات سردستگی نسبت به جرایم، موجب تعزیر منصوص شرعی نیز به صورت حداکثر مجازات شدیدترین جرمی است که اعضای گروه در راستای اهداف آن مرتکب شده‌اند، نه حداکثر مجازات معاونت در آن.

## ۵-۲- مجازات شروع به سردستگی

از موضوعات مهم در مبحث سردستگی، مباحث مربوط به شروع به سردستگی و شروع به جرایم ارتكابی توسط اعضای گروه مجرمانه و نحوه اعمال تشدید بر سردسته گروه می‌باشد؛ بر این اساس، مطالب در دو بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۵-۲-۱- شروع به جرم سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته

یکی از تفاوت‌های سردستگی در ماده ۱۳۰ ق.م.ا با سردستگی در قوانین خاص از جمله ماده ۴۹۸<sup>۲</sup> قانون تعزیرات ۱۳۷۵ این است که شرط تشدید مجازات سردسته در ماده ۱۳۰ ارتكاب جرم توسط اعضای گروه مجرمانه است؛ بنابراین، برخلاف سردستگی در ماده ۴۹۸ که به صرف تشکیل گروه و بدون توجه به ارتكاب جرم توسط اعضا، مجازات بر سردسته اعمال می‌شود،

۱- رأی وحدت رویه شماره ۷۴۴ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۹ دیوان عالی کشور: «...در موارد که مجازات بزه حبس توأم با جزا نقد تعین گردیده، کفر حبس ملاک تشخیص درجه مجازات و بالتوجه صلاحیت دادگاه است...».

۲- ماده ۴۹۸ ق. تعزیرات: «هرکس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از ۲ نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم‌زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود، به حبس از ۲ تا ۱۰ سال محکوم می‌شود.»

سردستگی در ماده ۱۳۰ منوط به تحقق جرم و یا حداقل شروع به جرم توسط اعضای گروه مجرمانه می‌باشد. با توجه به مقدمه مذکور، نتایج از این قرار است: الف. شروع به سردستگی قبل از ارتکاب جرم توسط اعضای گروه قابل تصور نمی‌باشد ولی در یک فرض، چنانچه سردسته گروه، قبل از ارتکاب جرم توسط اعضا، برای تشکیل گروه مجرمانه مرتکب رفتاری شود که خود آن رفتار به طور مستقل، جرم می‌باشد (به طور مثال، سردسته برای معرفی و دخالت خود در دستگاه دولتی بدون داشتن سمت، مرتکب جعل سندی شده باشد) ماده ۵۵۵<sup>۱</sup> قانون تعزیرات (۱۳۷۵) در این صورت، تنها به غصب مشاغل دولتی و جعل سند محکوم می‌شود بدون آنکه مشمول تشدید ماده ۱۳۰ ق.م.ا باشد. بدیهی است که در این حالت، در صورت ارتکاب جرم توسط اعضا، مجازات سردسته بر اساس تعدد جرایم مادی، قابل بررسی می‌باشد که پیش‌تر توضیح داده شد؛ ب. ممکن است گفته شود از آنجایی که سردستگی ماهیتاً معاونت در جرم می‌باشد و تعریف سردستگی در تبصره ۲ ماده ۱۳۰ ذهن را بیشتر به این سمت می‌کشد، بنابراین، معاونت به عنوان جرم مستقل قابل تصور است؛ بنابراین، شروع به معاونت هم بنابر مطالب فوق قابل تصور می‌باشد.

در نقد این نظر باید گفت که شروع به معاونت تنها زمانی قابل تصور است که آن فعل معاون، فی‌نفسه جرم باشد که در این صورت، فعل مذکور نه به عنوان معاونت بلکه به عنوان جرم مستقل که شروع به آن نیز جرم است، قابل مجازات خواهد بود؛ مانند تهیه وسایل سقط جنین توسط طبیب یا ماما یا دارو فروش به عنوان معاونت مستقل (ماده ۶۲۴<sup>۲</sup> قانون تعزیرات ۱۳۷۵) و یا در بند ب ماده ۱۵۳ قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ آمده است که تحریک از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی به خودکشی، جرم مستقل محسوب می‌شود و صرف تحریک کافی است و حتی نیاز به تحقق خودکشی نیست. در این مورد، تحریک جرم خاص و مستقل محسوب می‌شود؛ بنابراین، شروع آن به عنوان معاونت مستقل، قابل تصور است. ولی در خصوص سردستگی در ماده ۱۳۰ از آنجا که صرف سردستگی جرم محسوب نمی‌شود بلکه اعمال مجازات بر سردسته،

۱- ماده ۵۵۵ ق. تعزیرات: «هرکس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشکری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است، دخالت دهد یا معرفی نماید، به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت و معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد، مجازات جعل را نیز خواهد داشت».

۲- ماده ۶۲۴ ق. تعزیرات: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و شخصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کند، وسایل سقط جنین فراهم سازد... به حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم خواهد شد و...».

۳- بند ب ماده ۱۵۳ ق.ج.ر: «چنانچه افراد را به ... خودکشی ... تحریک یا ترغیب یا ... دهد، به حبس از ۹۱ روز تا ۱ سال یا ... محکوم می‌شود».

تابع ارتکاب جرم توسط اعضا می‌باشد، در نتیجه، شروع به معاونت در خصوص سردستگی مجازاتی در پی ندارد.

**۵-۲-۲- شروع به جرم توسط اعضای گروه مجرمانه سازمان یافته و نحوه مجازات بر سردهسته**  
 همان‌طور که بیان شد، مجازات سردهسته بستگی به انجام جرم توسط اعضای گروه مجرمانه دارد (البته این فرض مربوط به زمانی است که سردهسته شخصا در عملیات اجرایی جرم شرکت ندارد) حال اگر اعضای گروه قصد انجام جرمی را بکنند و از مرحله تهیه مقدمات هم گذشته باشند و وارد عملیات اجرایی جرم شوند اما به واسطه عامل خارج از اراده آنان، قصدشان معلق بماند، در این حالت، با توجه به آنکه جرم تام هنوز واقع نشده است ولی مقنن همین اندازه از عملیات اجرایی را برای جامعه در بعضی از جرایم خطرآفرین دانسته است، بر این اساس، به جرم‌انگاری شروع به آن جرم در ماده ۱۲۲ ق.م.ا.ن.م. بوده است؛ بنابراین، اگر اعضای گروه مجرمانه، مرتکب شروع به جرایم شروع به جرایم شروع به جرایم شروع به جرایم حادی یا قصاص و یا دیه شوند، سردهسته به حداکثر مجازات معاونت در شروع به آن جرایم محکوم می‌شود.

ذکر چند نکته در باب شروع به سردستگی ضروری است: ۱. یک فرض قابل تصور است که اعضا مرتکب شروع به جرمی شوند ولی سردهسته آن مجازات نشود و آن زمانی است که اعضا مرتکب شروع به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ شوند و همین‌طور مرتکب جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۵ شوند که مجازات قانونی آنها غیر از مجازات حبس باشد (از جمله شلاق تعزیری یا جزای نقدی و...) که در این صورت، سردهسته گروه مجرمانه، مجازات نخواهد شد؛ زیرا بنابر ماده ۱۲۲ ق.م.ا.ن.م. مقنن تنها در جرایم تعزیری ۱ تا ۵ (آن هم فقط در جرایم دارای مجازات حبس) شروع به جرم برای آن جرایم پیش‌بینی کرده است و ظاهراً جرایم تعزیری ۶ تا ۸ از نظر مقنن چندان شدید و برهم‌زننده نظم اجتماعی نمی‌باشد تا شروع به آن، جرم‌انگاری شود. بر این اساس، سردستگی گروه مجرمانه در شروع به جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ و جرایم ۱ تا ۵ که غیر از مجازات حبس باشد، توسط اعضا گروه، طبق ق.م.ا.ن.م. ۱۳۹۲۱ مجازات ندارد؛ ۲. از آنجا که طبق تبصره ماده ۱۲۲ جرم محال مادی و یا وسیله‌ای (نه جرم محال قانونی) در حکم شروع

۱- ماده ۱۲۲ ق.م.ا.ن.م.: «هرکس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، اما به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود...».

۲- تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا.ن.م.: «هرگاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، اما به جهت مادی که مرتکب از آنها بی‌اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام‌شده در حکم شروع به جرم است.».

به جرم دانسته شده است، بنابراین، در صورت ارتکاب جرم محال توسط اعضای گروه مجرمانه، سردسته گروه مجرمانه، بنا بر مطالب فوق، قابل مجازات است؛ ۳. تبنانی دو نفر یا بیشتر برای سردستگی گروه مجرمانه می باشد. ماده ۱۲۳ ق.م.ا مقرر می دارد: «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث، قابل مجازات نیست». همین اندازه اقدامات توسط ۱ نفر برای جرایم عادی مثل سرقت، شروع به جرم نیست ولی برای تبنانی ۲ نفر یا بیشتر در جرایم غیر امنیت داخلی و خارجی، جرم بوده و مجازات تبنانی ماده ۶۱۱ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ اعمال می شود. بنابراین، هرگاه دو نفر یا بیشتر به عنوان سردسته گروه، تبنانی برای تشکیل یا طراحی گروه مجرمانه در غیر از جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی بنمایند و مقدمات اجرایی تشکیل گروه مجرمانه را هم تدارک دیده باشند، از آنجا که اعمال ماده ۶۱۱ قانون تعزیرات و به طور خاص، مجازات جرم تبنانی، منوط به عدم تحقق جرم نهایی می باشد و در واقع، مقنن نفس اجتماع و توافق دو نفر یا بیشتر را برای ارتکاب جرم به دلیل آسیب احتمالی در آینده و محتمل الوقوع بودن جرم تبنانی شده، کافی دانسته است، ضرورتی به ارتکاب جرم توسط اعضای گروه مجرمانه نمی باشد و صرف توافق دو نفر و تهیه و تدارک مقدمات اجرایی (که منظور از مقدمات اجرایی، یک مرحله قبل از عملیات اجرایی در شروع به جرم می باشد) برای اعمال ماده ۶۱۱ در غیر از جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کافی می باشد؛ همچنین، اعمال مفاد ماده ۱۳۰ ق.م.ا در مورد سردسته تبنانی کنندگان بدون اشکال است؛ زیرا تبنانی هم در هر حال، جرمی است که چند نفر در آن دخیل می باشند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۲۶۲).

#### ۵-۳- مجازات سردسته در جرایم محاربه و افساد فی الارض به طور خاص

مقصود قانونگذار از تفکیک دو جرم محاربه و افساد فی الارض از سایر حدود در ماده ۱۳۰ ق.م.ا چه بوده است؟ ممکن است گفته شود که علت و دلیل اصلی تفکیک آن است که در جرایم محاربه و افساد فی الارض، به دلیل ارتباط نزدیک به نظم عمومی جامعه و آثار و نتیجه زیانبار و در پاره ای از موارد، غیر قابل جبرانی که ارتکاب جرایم مذکور از خود به جای می گذارد - که به ویژه در جرم افساد فی الارض، بنابر ماده ۲۸۶ ق.م.ا با به کار بردن الفاظی مانند اخلال "شدید"، ورود خسارت "عمده" و "فحشا در حد" وسیع" در تأیید علت مذکور می باشد، در مقابل با دیگر جرایم

۱- ماده ۶۱۱ ق. تعزیرات: «هرگاه ۲ نفر یا بیشتر اجتماع و تبنانی بنمایند که علیه اعضاء یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند، حسب مراتب به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهند شد».

حدی که اغلب از جمله جرایم خانگی و مخفی به شمار می‌روند، دانست که مقنن نخواست است در این دو جرم حدی مصرح، همانند دیگر جرایم حدی، در خصوص مجازات سردسته به حداکثر مجازات معاونت در جرایم حدی اکتفا کند که الزاماً نتیجه آن است که مجازات سردسته از مجازات مرتکبان جرایم حدی توسط اعضای گروه مجرمانه، خفیف‌تر می‌باشد؛ بنابراین، بنا بر نص صریح ماده ۱۳۰ در صورت صادق بودن عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته گروه مجرمانه، به مجازات اصلی محاربه و افساد فی الارض محکوم می‌گردند.<sup>۱</sup> در نقد این نظر، می‌توان گفت که با توجه به پیامد زیانبار دو جرم مذکور برای جامعه، پس چرا به‌عنوان مثال، جرم حدی "بغی" را قانونگذار جزو آن دو جرم حدی فوق در بحث سردستگی قرار نداده است در حالی که به وضوح روشن است که نتایج سوء ارتکاب جرم حدی بغی کمتر از دو جرم محاربه و افساد فی الارض نمی‌باشد و از سوی دیگر، یکی از شروط تحقق بغی، بنابر ماده ۲۸۷ ق.م.ا، تعدد اشخاص و شکل‌گیری گروه مجرمانه می‌باشد که از این جهت، مناسبت نزدیک‌تری با بحث سردستگی گروه مجرمانه دارد؛ حال آنکه، این شرط در جرایم محاربه و افساد فی الارض ضرورتی ندارد بلکه این جرایم توسط شخص واحد و بدون شکل‌گیری گروه هم، قابل تحقق می‌باشد.

نظر دیگر ممکن است آن باشد که نحوه بیان قانونگذار این توهّم را ایجاد می‌کند که فقط در جرایم محاربه و افساد فی الارض در صورت "صدق" عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته این شخص، به مجازات آن جرایم محکوم می‌شود؛ در حالی که قطعاً این تصور نادرست است؛ زیرا دقت در قسمتی از ماده فوق‌الاشعار نشان می‌دهد که نباید چنین تصور کرد که جرایم مذکور از سایر جرایم موجب حد مستثنی شده‌اند؛ زیرا در سایر جرایم (نه فقط جرم حدی ولو تعزیری یا قصاص) نیز چنانچه عنوان آن جرم بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند، سردسته، به مجازات آن جرم محکوم می‌شود؛ به‌عنوان مثال، چنانچه عنوان سرقت حدی بر سردسته گروه مجرمانه صدق کند، شخص مذکور به مجازات سرقت حدی محکوم می‌شود؛ بنابراین، محاربه و افساد فی الارض استثناء نشده‌اند بلکه جلوه ای از یک قاعده کلی می‌باشند.

۱- لازم به ذکر است که این اشکال تفکیک حتی در سردستگی گروه مجرمانه مرتکب جرم موجب قصاص یا دیه نیز جاری است، به‌خصوص برخی روایات معتبر، مولایی که به عیدش دستور قتل دیگری را می‌دهد، قابل قصاص می‌دانند؛ با وجود آنکه عید نیز مجازات می‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۴۷). گرچه این روایات درباره گروه مجرمانه نیست، در اینجا قابل استفاده است.

۲- ماده ۲۸۷ ق.م.ا: «گروهی که در برابر اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، قیام مسلحانه کند، باغی محسوب می‌شود و در صورت استفاده از سلاح، اعضای آن به مجازات اعدام محکوم می‌گردند».

از آنجا که فرض انجام کار غیر عقلایی از قانونگذار بعید است، باید در جستجوی علت تصریح به این جرایم بود. یک تفسیر ممکن است این باشد که از آنجا که تشکیل گروه مجرمانه اصولاً برای ارتکاب جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی و از جمله محاربه و افساد فی الارض است، بر این اساس، قانونگذار به علت اهمیت جرایم پیش گفته، آنها را مورد تصریح قرار داده است اما درصدد استثناء کردن آنها از قاعده کلی نبوده است که این عقیده با آنچه در خصوص جرم بغی در مطالب فوق به آن اشاره شد، هماهنگ نمی باشد. تفسیر دوم این است که ممکن است قانونگذار در تصریح به این دو عنوان مجرمانه به منابع فقهی نظر داشته است؛ از آن جهت که فقها در باب محاربه افرادی نظیر خبرچین (الطلیع) و همکار محارب (الردء) که به ترتیب به معنی «کسی که عبورکنندگان از راه را زیر نظر می گیرد و به محارب اطلاع می دهد و یا مراقب کسانی است که محارب از آنها می ترسد و او را از آنها بر حذر می دارد و همچنین، همکار محارب که به او کمک می کند بدون آنکه خودش مباشرتاً سلاح بکشد»<sup>۱</sup> را مشمول مجازات محاربه نمی داند. به نظر می رسد که قانونگذار خواسته است این افراد را چنانچه سردسته گروه مجرمانه قرار گیرند، تا زمانی که عمل مادی محاربه را انجام نداده باشند، از شمول مجازات محارب خارج کند اما چنانچه عنوان محارب بر آنان صدق کند، به مجازات محارب و مفسد فی الارض از یک سو و از طرف دیگر، به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای منافع آن گروه مرتکب شده اند، به عنوان مجازات سردستگی محکوم کند که مجازات این شخص بر اساس قواعد تعدد جرم تعیین خواهد شد. اما تفسیر سوم که به نظر صحیح می رسد، این است که در دو جرم مذکور، در صورت صدق عناوین محارب یا مفسد فی الارض بر سردسته، این شخص "فقط" به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می شود نه حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف آن گروه مرتکب شده اند و برای تقویت استدلال فوق می توان به عبارت "محکوم می گردد" مقرر در ماده ۱۳۰ ق.م.ا توجه کرد که جمله قانونگذار خبری است و خبر قانونگذار امر تلقی می شود که دلالت بر الزام دادگاه ها به صدور حکم بر اساس مقررات جرایم محاربه و افساد فی الارض (و نه سردستگی) دارد.

اینکه برخی از حقوقدانان معتقدند که ماده ۱۳۰ در مقام بیان تشدید مجازات نیست بلکه مقنن عنوان "سردستگی گروه مجرمانه" را به عنوان جرم مستقلی بیان کرده است، بنابراین

۱- لا الطلع للمحارب وهو الذ رقب له من مر بالطرق فعلمه به، أو رقب له من خاف عله منه فحذره منه والردء بكسر الراء فسكون الدال فالهمز وهو المعن له ف ما حجاج إله من غر أن باشر (شهیدثانی، ۱۳۹۸ ق: ۲۹۲).

"فقط" حالتی را در نظر دارد که سردسته، خودش در ارتکاب جرایم اعضای گروه شرکت ندارد (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۲۴) صحیح به نظر نمی‌رسد؛ زیرا همان‌گونه که در مطالب پیشین آمده است، عدم حضور سردسته در عملیات اجرایی جرم ارتكابی، یک شق از ماده ۱۳۰ می‌باشد و شق دیگر آن، حضور و شرکت سردسته در عملیات مجرمانه می‌باشد؛ به خصوص در موارد صدق عناوین مجرمانه محاربه و افساد فی الارض بر سردسته گروه، سردسته خود باید در عملیات اجرایی جرم شرکت داشته‌باشد؛ بنابراین، منظور از واژه "صدق کند" در ماده ۱۳۰ "صدق عرفی" نمی‌باشد؛ زیرا در مجازات‌های موجب حد، با تحدید خاص معنایی شارع و قانونگذار و به عبارت دیگر، توقیفی بودن این عناوین، نمی‌توان مدعی شد که شخص حتی اگر در عملیات اجرایی دخالت نداشته‌باشد ولی به دلیل اینکه در عرف، به وی محارب و مفسد اطلاق می‌شود و به واسطه این اطلاق، وی باید به مجازات مباشر محکوم گردد (الهام و برهانی، ۱۳۹۳: ۲۳۰). شاید با تفسیری موسع و برخلاف اصول حقوقی بتوان در مواردی سردسته مفسدین را مفسد فی الارض دانست اما بی‌شک، تحقق این رفتار در جرم محاربه امکان‌پذیر نیست؛ چراکه ارکان جرم محاربه به نحوی است که تنها از سوی شخص مرتکب، امکان صدور این جرم وجود دارد؛ بنابراین، در خصوص جرم محاربه - یعنی کشیدن سلاح و داشتن سوء نیت خاص که همان قصد جان، مال یا برهم زدن امنیت مردم می‌باشد - باید در سردسته گروه مجرمانه وجود داشته باشد و در افساد فی الارض، سردسته باید شخصا به‌طور گسترده مرتکب جرایم مذکور در ماده ۲۸۶ ق.م.ا برای تحقق عنوان مجرمانه مفسد فی الارض و مجازات اعدام شود.

### نتیجه

امروزه، در حقوق کیفری، با توجه به ارتباط روزافزون کشورها، ارتباط فرامرزی و برچیده شدن مرزها، مبارزه با جرایم سازمان‌یافته جایگاه خاصی یافته است. اهمیت این جرایم به دلیل آسیب‌های جدی است که به امنیت و نظم عمومی کشورها، حیات و سلامت افراد جامعه وارد می‌کنند. با بررسی و ماهیت جرم سازمان‌یافته معلوم گردید که گروهی بودن، برنامه‌ریزی و تبانی در بین اعضا، استمرار فعالیت مجرمانه و انگیزه مالی، از مقومات جرم سازمان‌یافته به

۱- ماده ۲۸۶ ق.م.ا: «هرکس به‌طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد ... مفسد فی الارض محسوب و به مجازات اعدام محکوم می‌گردد».



مفهوم امروزی آن است و در صورت فقدان هر یک از این موارد، سازمان یافتگی جرم محل اشکال است؛ بنابراین، اگر عنصر استمرار و تداوم زمانی فعالیت مجرمانه وجود نداشته باشد، جرم سازمان یافته نیست. همچنین، جرایمی که با انگیزه سیاسی و کسب قدرت صورت می گیرند، در ردیف مصادیق جرم سازمان یافته قرار نمی گیرند. یکی از تفاوت های سردستگی در ماده ۱۳۰ ق.م.ا با سردستگی در قوانین خاص، آن است که سردستگی در ق.م.ا منوط به تحقق جرم و یا حداقل، شروع به جرم توسط اعضای گروه مجرمانه می باشد؛ بنابراین، شروع به سردستگی قبل از ارتکاب جرم توسط اعضای گروه قابل تصور نمی باشد اما ارتکاب جرم توسط شخص سردسته مؤثر در مقام نبوده و چنانچه جرم توسط هر یک از اعضای گروه و در راستای اهداف آن گروه واقع شود، رفتار سردسته مجرمانه محسوب خواهد شد؛ از این جهت، می توان سردستگی را به نوعی جرم مقید به حصول نتیجه دانست. سردسته گروه مجرمانه الزاماً یک فرد نیست بلکه این امکان وجود دارد که گروهی دارای چند سردسته باشد اما در این صورت، افرادی که رفتار مادی سردستگی را انجام می دهند، باید در عرض یکدیگر قرار داشته باشند و منظور از "صدق کند" مقرر در ماده ۱۳۰ ق.م.ا، صدق عرفی نمی باشد؛ بنابراین، در خصوص ارتکاب جرایم محاربه و افساد فی الارض توسط اعضای گروه مجرمانه در راستای اهداف همان گروه بدون مداخله سردسته، به شرح مقرر در ماده ۱۳۰ ق.م.ا سردسته به حداکثر مجازات معاونت در جرایم مذکور محکوم می شود و چنانچه سردسته به عنوان محاربه و افساد فی الارض شخصاً عملیات مادی این جرایم را هدایت کند و عناوین محارب و مفسد فی الارض بر او صدق نماید، "فقط" به مجازات محاربه و افساد فی الارض محکوم می گردد.

پروژه گاه سوم آسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- ۱- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶)، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: میزان
- ۲- الهام، غلامحسین و برهانی، محسن (۱۳۹۴)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: جرم و مجرم، تهران، میزان
- ۳- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۳)، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم، تهران، میزان
- ۴- توجیهی، عبدالعلی (۱۳۹۴)، آسیب شناسی قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات جنگل
- ۵- جوانمرد، بهروز (۱۳۹۶)، جرم سازمان یافته فراملی، تهران، انتشارات جنگل
- ۶- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴)، "جرایم سازمان یافته، مفهوم، مدل‌ها و تأثیرات آن بر ثبات سیاسی": فصلنامه پژوهشی مطالعات راهبردی، شماره ۳، ص ۴۹۵
- ۷- خالقی، علی (۱۳۹۷)، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ ۱۱، تهران، انتشارات شهردانش
- ۸- ذاقلی، عباس (۱۳۹۴)، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین المللی، تهران، میزان
- ۹- زراعت، عباس (۱۳۹۲)، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، ققنوس
- ۱۰- سلطانی، عباسعلی، سلیمانی، حمید، فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۶)، "تحلیل جرم سازمان یافته از دریچه فقه": فصلنامه پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، ۹: ۱۱
- ۱۱- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۹۶)، "مبانی تحولات قانونی در قلمرو مداخله کنندگان در ارتکاب جرم": مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، شماره ۱، ص ۱۵۹
- ۱۲- عدالتخواه، محمدرضا (۱۳۹۳)، مبسوط قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، انتشارات مجد
- ۱۳- غلامی، علی (۱۳۹۳)، "سازمان یافتگی جرایم در آیین فقه": مجله پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۱: ۱۴۹
- ۱۴- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۲)، "جنبه‌هایی از تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی بر سیاست جنایی": مجله مدرس علوم انسانی، ۲۸: ۱۲۰
- ۱۵- کامکار، مهدیس (۱۳۸۲)، "آثار و پیامدهای ۳ رویکرد، جرم‌زدایی، جرم‌انگاری و کاهش عوارض در برنامه‌های اعتیاد": فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، ۹: ۱۲۳
- ۱۶- کی‌نیا، محمد (۱۳۷۴)، روانشناسی جنایی، تهران، انتشارات رشد
- ۱۷- محبی، جلیل و ریاضت، زینب (۱۳۹۷)، شرح قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، میزان
- ۱۸- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان

- ۱۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید(۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، گنج دانش
- ۲۰- نوربها، رضا(۱۳۸۹)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش
- ۲۱- یوسفیان شوره دلی، بهنام ورسولی آستانی، لیلا(۱۳۹۷)، "بازاندیشی درتعریف شرکت در جرم برای مقابله با فعالیت‌های هماهنگ و گروهی مجرمانه": مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱: ۲۵۳

#### ب. منابع عربی

- ۱- جبعی عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)(۱۳۹۸ق)، الروضة البهية ف شرح اللمعة الدمشقية، تحقیق سیدمحمدکلانتر، ج ۹، بیروت، بینا
- ۲- حرعاملی، حسن(۱۴۱۶ق)، وسایل الشیعه، جلد ۲۹، قم، موسسه آل‌البیت
- ۳- موسوی اردبیلی، عبدالکریم(۱۴۲۹ق)، فقه‌الحدود و تعزیرات، قم، موسسه نشر جماعه المفید

#### ج. منابع انگلیسی

- 1- Alix, Julie(2010), Terrorisme et droit pénal, Paris, Dalloz.
- 2- Bassiouni, M.Charif And Vetere, Edvardo(1998), Organized Crime, New York, Transnational publishers.
- 3- Beg, Steal Or Borrow(2005), The Study Of Organized Crime And The Infusion Of Concepts And Theories From Other Disciplines, Paper Presented At The Annual Meeting Of The American Society Of Criminology (ASC), Toronto, Canada.
- 4- Bossard, André(1988), La Criminalié Internationale, Paris, PUF.
- 5- Chawla, Monika(2006), Criminal Attempt And Punishment, New Delhi, Deep And Deep Publication.
- 6- Cohen, Albert(1977), The Concept Of Criminal Organization, The British Journal Of Criminology, Vol.17, No.2.
- 7- Cusson, Maurice(2002), Prévenir la Délinquance, Paris, Presses Universitaire De France.
- 8- Donald R, Cressy(1969), Theft Of The Nation, New York, Evanstone.
- 9- Icc, lubanga Decision(2007), Icc ,The Prosecutor V. Thomas lubanga Dyllo, Case No.Icc-01/04-01/06, Pretrial Chamber I, Decision On The Confirmation Of The Charges(Public Redacted Version), 29January.

- 10- Klaus, Von Lampe(1998), Recent German Publications On Organized Crime, Criminal Organizations, Vol12, No2.
- 11- Maltz, Michael D(1976), Crime And Delinquency, On Defining Organized Crime, USA.
- 12- Ministerial Meeting On The Structure And Program Of Work Of The United Nations Crime Prevention And Criminal Justice Program, Paris21-23 Novamber1991, (A/Conf. 156/CRP.1).
- 13- Ohlin, Jens David(2015), Co-Perpetration:German Dogmatic Or German Invasion? The law And Practice Of The International Criminal Court.
- 14- Ottenhof, Reynald(1997), Le Crime Organize:De La Notion Criminologique A La Notion Juridique, In Colloqued Aix-En-Provence, Juin1996, Criminalite Organizes Et Order Dans La Societe, Presses Universitaires Daix Marseille.
- 15- Oxford University Press(1991), Oxford Advanced Learens Dictionary, Fourth Edition.
- 16- Reilly, E.F(1997), History Of The United States Parole Commission, 9Security Journal.
- 17- Scordato, Marin Roger(2015), A Legal Definition Of Leadership:Understanding 3B1.1 Of The Federal Sentencing Guidelines, Lewis & Clark L. Rev. V19, N4.
- 18- Shelley, Louise(1999), Transnational Organized Crime:An Imminent Threat To The Nation State? Journal Of International Affairs.
- 19- Siegel, Larryj(1997), Criminology, 6Thed.U.S.A, West/Wadsworth.
- 20- Soukhanor Anne H And Others(1992), The American Heritage Dictionary Of The English Language, Thirded, Houghton Mifflin.
- 21- Sutherland, Edvin H and Donald R Cressy(1978), Criminology, J.B. Lippincott, USA.
- 22- Thorne, Colin(1996), Organize Crime In Kayllen M. Haziehurst(ed), Crime And Justice, LBC Information Service Sydney.
- 23- Torr, James D(1999), Organized Crime, Sandiago, USA, Green Haven Press Inc.
- 24- United Nations Convention Against Transnational Organized Crime(Palermo), 2000, art2.
- 25- United States V. Rider, 388 F. Appx 631,632(9<sup>th</sup> Cir. 2010).
- 26- Websters, Martin(1986), Third New International Dictionary, Massachusetts.
- 27- Weiss, Barush(2001), What Were They Thinking:The Mental States Of The Aider And Abettor And The Causer Under Federal law. Fordham L.Rev.70.